فرهنگ نماز در سیره امام رضا(ع)

نوشته ای را که در پیش رو دارید، می کوشد بازتاب زیبای این ارمغان ملکوتی را در سیره و سخن امام رضا(ع) به نظاره بنشیند و با کلمات و رهنمودهای آن رهبر الهی جلوه های زیبای نماز را درهم آمیزد.

این سخن را نیز ناگفته نگذاریم که بر هر مسلمان وظیفه شناس و عاشق الهی شایسته است که این گفتار نبوی(ص) را نصب العین خود قرار دهد که: آن حضرت حضور قلب در نماز و احساس لذت از آنرا اینگونه توصیف کرده است: «یا اباذر! اللّه جلّ ثناؤه قرّة عینی فی الصّلاة و حبّب الیّ الصلاة کما حبّب الی الجائع الطّعام و الی الظمآن الماء و انّ الجائع اذا اکل شبع و انّ الظمآن اذا شرب روی و انا لااشبع من الصّلاة؛(1) ای اباذر! خداوند ـ جل ثناؤه ـ نور دیده مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب انسان تشنه قرار داده است (امّا با این تفاوت) که گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر می شود و تشنه هرگاه آب بنوشد سیراب می شود امّا من از نماز سیر نمی شوم.»

برترین عمل

از منظر امام رضا(ع) هیچ عملی برتر و ارزشمندتر از نماز نیست، چرا که بهترین و میانبرترین راه برای رسیدن به قرب الهی است. امام رضا(ع) همواره می فرمود: «الصّلاة قربان کل تقیٍّ؛(2) نماز هر انسان پارسائی را به خداوند نزدیک می کند.» به همین جهت آن حضرت به ابراهیم بن موسی فرمود: «لاتؤخرنّ الصّلوة عن اوّل وقتها الی آخر وقتها من غیر علّةٍ علیک، ابدأ باوّل الوقت؛(3) انجام نماز را بدون علت از اول وقت آن تأخیر نینداز، همیشه در اول وقت آن شروع کن!»

امام هشتم(ع) خود نیز چنین بود و به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی داد حتی در مهمترین جلسات سیاسی و علمی امام به نماز اول وقت اهمیت می داد. روایت زیر نشانگر این واقعیت است:

به دستور مأمون، علمای برجسته از فرقه های گوناگون در مجالس مناظره حاضر می شدند و امام رضا(ع) با آن ها مناظره و بحث می کرد. در یکی از مجالس «عمران صابی» که از دانشمندان بزرگ بود، در مجلس حاضر شد و درباره توحید با امام رضا(ع) وارد گفتگو گردید در آن جلسه امام سؤالهای او را با حوصله، متانت، استدلالهای قطعی و روشن پاسخ داده و او را به سوی توحید متمایل کرده بود هنگامی که بحث و مناظره به اوج خود رسید و چیزی به تحول درونی آن دانشمند زبردست صابئین(4) نمانده بود حضرت رضا(ع) احساس کرد وقت اذان ظهر و هنگام نماز است. امام(ع) به مأمون فرمود: «الصّلاة قد حضرت؛ وقت نماز فرا رسید.»

عمران صابی که به حقایقی دست یافته و از دریای دانش سرشار امام هشتم(ع) بهره هائی برده بود با التماس گفت: «یا سیّدی! لاتقطع علیّ مسألتی فقد رقّ قلبی؛ آقای من! گفتگو و پاسخهای خویش را قطع نکن دل من آماده پذیرش سخنان شما است. امّا حضرت رضا(ع) تحت تأثیر سخنان عاطفی و احساس برانگیز او قرار نگرفت و فرمود: عیبی ندارد نماز را می خوانیم و دوباره به گفتگو ادامه خواهیم داد.

در این حال امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند حضرت بعد از اقامه نماز دوباره به گفتگو ادامه داده و پاسخ های روشنگرانه خویش را ارائه نمود.(5)

با توجه به این روایت که در کتابهای معتبر روائی و تاریخی آمده است برای اقامه نماز در اول وقت هیچگونه عذری را برای افراد عادی و مسئولین حکومت اسلامی باقی نمی گذارد و پیروان آن حضرت نباید از این حقیقت چشم پوشی کرده و به بهانه های مختلف آنرا سهل بشمارند.

رهرو راستین امام هشتم(ع)

حضرت امام خمینی(ره) در این زمینه گوی سبقت را از تمام پیروان و شیعیان حضرت رضا(ع) ربوده بود. داستان زیر شاهد خمینی می گوید: روزی که شاه فرار کرد ما در پاریس در نوفل لوشاتو بودیم، پلیس فرانسه خیابان اصلی نوفل لوشاتو را بست، تمام خبرنگاران کشورهای مختلف آنجا بودند.این حقیقت راستین است. آقا سید احمد خبرنگاران خارجی از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا و شاید 150 دوربین فقط صحبت

امام را مستقیم پخش می کردند.

برای اینکه خبر بزرگترین حادثه سال را مخابره می کنند، شاه رفته بود و می خواستند ببینند که امام چه تصمیمی دارد، امام بر روی صندلی ایستاده و در کنار خیابان، تمام دوربین ها بر روی امام متمرکز شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند و سخنان خودشان را گفتند. من در کنار امام ایستاده بودم. یک مرتبه برگشتند و گفتند: احمد! ظهر شده؟ گفتم بله، الآن ظهر است. بی درنگ امام گفتند: و السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته. شما ببینید در چه لحظه ای امام صحبتهایشان را رها کردند. برای اینکه نمازشان را اول وقت بخوانند، یعنی جائی که تلویزیونهای سراسری که هر کدام میلونها بیننده داردC.N.N بود، B.B.C بود، تمام تلویزیونها چه در آمریکا و چه در اروپا بودند. خبرگزاریها همه بودند.اسوشیتیدپرس، یونایتد پرس، رویتر و تمام خبرنگاران روزنامه ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، در چنین موقعیت حساسی، امام حرفشان را قطع کردند و رفتند سراغ نماز.(6)

ماجرای نماز عید

از مهمترین حوادث سیره امام رضا(ع) حرکت آن حضرت به مصلای نماز عید می باشد که آن بزرگوار اهمیت نماز و تأثیر آن در جامعه و آثار پربار نمازهای دسته جمعی و قدرت تحول آفرینی آنرا به مسلمانان و زمامداران ثابت نمود. ماجرا از این قرار بود که روز عیدی مأمون از امام (ع) تقاضا کرد که نماز عید را با مردم بخواند، تا برای مردم اطمینان بیشتری در امر ولایتعهدی پیدا شود. امام پیغام داد که: «قرار ما بر این بوده که در هیچ کار رسمی دخالت نکنم. بنابراین مرا از اقامه نماز عید معذوربدار! مأمون اصرار کرد که: مصلحت در این است که شما این نماز با اهمیت را اقامه کنید تا هم موضع ولایتعهدی تثبیت شود و هم فضل و عظمت شما آشکارتر گردد، امّا امام نپذیرفت. مأمون که دست بردار نبود پیک ها و پیغام های متعددی برای متقاعد کردن امام برای حضرتش فرستاد، هنگامی که امام رضا(ع) پافشاری خلیفه را احساس کرد به او فرمود: اگر قرار است که من حتماً به نماز بروم من این فریضه الهی را طبق سیره پیامبر و روش امیرمؤمنان علی(ع) اقامه خواهم کرد!

مأمون گفت: هر طور که دوست داری آن طور عمل کن اختیار با شماست!

آنگاه دستور داد: سرداران و تمام مردم صبح روز عید در مقابل منزل مسکونی حضرت رضا(ع) اجتماع نمایند. با انتشار این خبر مردم مرو مشتاقانه برای شرکت در مراسم و بهره گیری از وجود حضرت رضا(ع) خود را آماده کردند. هنگامی که خورشید طلوع نمود حضرت غسل کرد و عمامه سفیدی را که از پنبه تهیه شده بود بر سر مبارک گذاشت و یک سر آن را روی سینه و سر دیگر را میان دو شانه انداخت. و مقداری هم بوی خوش بکار برد. دامن را به کمر زد و به همه پیروان و دوستدارانش دستور داد چنان کنند. آن گاه عصای پیکان داری به دست گرفت و از منزل بیرون آمد. آن حضرت در حالی که پابرهنه بود و پیراهن و سایر لباسهایش را به کمر زده بود، به همراه غلامان و یاران نزدیکش ـ که آنان نیز چنین کرده بودند ـ به همین شکل از منزل به سوی مصلا حرکت کردند. موقع خروج از منزل، امام رضا(ع) سربه سوی آسمان بلند کرد و چهار تکبیر گرفت، این تکبیرها آن چنان با صلابت و روحانیت خاصی ادا می شد که گویی آسمان و در و دیوار با نوای امام(ع) هم نواهستند. سرداران، نظامیان و سایر مردم که با آمادگی و آراستگی تمام در بیرون منزل صف کشیده بودند، هنگامی که امام رضا(ع) و یارانش را به آن صورت مشاهده کردند به پیروی از امام رضا(ع) و هماهنگ با او فریاد تکبیر سردادند.

شهر مرو یکپارچه فریاد تکبیر سرداد و به دنبال آن از گریه و ناله هزاران زن و مرد مشتاق اهل بیت(ع) به لرزه درآمد. سرداران نظامی هنگامی که حضرت را با آن حال دیدند از مرکب های خود پیاده شدند و کفش هایشان را درآورده و کنار گذاشتند و به دنبال امام ناله زنان و تکبیر گویان به راه افتادند. حضرت رضا(ع) پیاده راه می پیمود و هر ده قدم یک بار ایستاده و با نوای ملکوتی اش تکبیر می گفت.

یاسر خادم می گوید: در این حال ما خیال می کردیم که آسمان و زمین و کوه با او هم آوا گشته است، شهر مرو یکصدا گریه و شیون بود، هیجان احساسات و شور و نوا همه جا را فرا گرفته و شکوه ایمان و تکبیر و نماز در پایتخت کشور اسلامی طنین انداز شده بود جلوه های مادّی و ظاهری از ذهن ها و خاطره ها فراموش شده و آحاد جمعیت به آفریدگار هستی و پیروی از حجت الهی می اندیشیدند و در صفهای به هم پیوسته به دنبال امام رضا(ع) به سوی مصلا می شتافتند.

هنگامی که این خبر به مأمون رسید، فضل بن سهل به مأمون گفت: اگر لحظاتی دیگر وضع همین طور ادامه یابد همه مردم مفتون و شیفته او خواهند شد و ممکن است با یک اشاره طومار حکومت را در هم بپیچند، مأمون احساس خطر کرده و از امام رضا(ع) عاجزانه درخواست نمود که از میانه راه به منزل برگردد و امام نیز کفشهای خود را طلبیده و به منزل برگشت و فرمود: من که گفتم مرا از این کار معذور بدارید.(7) بلی نماز شکوهمند اولیاء الهی آن چنان قدرتی دارد که می تواند کاخهای ستم را به لرزه در آورده و بنیان طاغوتیان را از ریشه قطع کند و نماز عید حضرت(ع) اینگونه بود.

اقامه نماز باران

در ایامی که امام رضا(ع) در خراسان به سر می برد مدتی قحط سالی شده و باران نیامد و خشک سالی پدیدار گشت. عده ای از منافقان و حاشیه نشینان مجلس مأمون از این حادثه سوء استفاده کرده و شایع نمودند که چونکه مأمون علی بن موسی(ع) را ولیعهد خود گردانیده است و این امر را خداوند دوست ندارد به همین جهت باران قطع شده و برکات الهی نازل نمی شود.

مأمون در روز جمعه ای از امام تقاضا کرد که برای نزول باران و رحمت الهی دعا کند امّا امام رضا(ع) فرمود: روز دوشنبه برای اقامه نماز استسقاء بیرون خواهم آمد زیرا جدم رسول اللّه(ص) را به همراه امیرمؤمنان علی(ع) در عالم رؤیا زیارت کردم و پیامبر به من فرمود: پسرم! تا روز دوشنبه صبرکن و سپس در آن روز به صحرا برو و از درگاه خداوند متعال طلب باران نما! خداوند باران رحمت خود را می فرستد و مردم به عظمت و عزت تو در پیشگاه خداوند پی می برند و به بزرگی مقامت واقف می گردند.

روز دوشنبه فرا رسید مردم از خانه ها بیرون آمدند، امام رضا(ع) به صحرا رفت و مردم نیز گرد آمدند و چشم به حرکات و سکنات آن حضرت دوختند امام دو رکعت نماز استسقاء را اقامه کرده و آنگاه بالای منبر رفت و در خطبه بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: الهم یا رب انت عظّمت حقّنا اهل البیت فتوسلوا بنا کما امرت و اهلوا فضلک و رحمتک و توقعوا احسانک و نعمتک فاسقهم سقیاً نافعاً عاما غیر رایث و لاضائر ولیکن ابتداء مطرهم بعد انصرافهم من مشهد هم هذا الی منازلهم و مقارهم؛ خدایا! ای پروردگار من! تو حق ما اهل بیت را بزرگ شمرده ای این مردم به ما متوسل شده اند همچنان که خودت فرموده ای و به فضل و رحمت تو امیدوارند و چشم انتظار احسان و لطف تواند اینها را از باران سودمند و فراوان و بی ضرر و زیان خود سیراب گردان و این باران را پس از بازگشت آنان به خانه هایشان نازل فرما!

یکی از حاضرین در آن اجتماع می گوید: به خدا سوگند همان لحظه حرکت ابرها در هوا شروع شد و رعد و برق پدید آمد، مردم به جنب و جوش افتادند که تا باران نیامده به خانه های خود برگردند.

حضرت علی بن موسی الرضا(ع) به آنان فرمود: آرام باشید! این ابر برای این منطقه نخواهد بارید برای فلان ناحیه می رود، آن ابر رفت و ابر دیگری به همراه رعد و برق آمد، مردم دوباره خواستند حرکت کنند، امام فرمود: این ابر نیز به فلان قسمت خواهد رفت، در حدود ده ابر به همین ترتیب آمد و از فضای منطقه عبور کرد و هر بار امام (ع) فرمود: این ابر برای شما نیست. یازدهمین ابر از راه رسید. امام رضا(ع) فرمود: این ابر را خداوند متعال برای شما فرستاده است، در برابر فضل و کرم خداوند، شکر کرده و به سوی منازل خویش بازگردید تا شما به خانه نرسیده اید باران نخواهد بارید. آنگاه امام رضا(ع) از فراز منبر پائین آمده و مردم نیز به خانه هایشان رفتند، در همین هنگام بود که باران شدیدی نازل شده و تمام حوض ها، گودالها و نهرها را پر کرد و مردم با خوشحالی تمام می گفتند: کرامتها و الطاف الهی بر فرزند رسول گرامی اسلام(ص) مبارک باد.

بعد از نزول باران و سیراب شدن زمین از برکات الهی و خوشحالی مردم، حضرت رضا(ع) به میان جمعیت آمده و آنان را موعظه کرده و به شکرگزاری از نعمتهای الهی به درگاه پروردگار منان دعوت نمود.(8)

اینجاست که از ته دل و عمق جان خطاب به اهل بیت (ع) عرضه می داریم: ارادة الرّب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم؛(9) اراده و مشیت پروردگار عالم در تدبیر امور جهان به سوی شما می آید و از خانه های شما به دیگر جاها می رسد.

فوائد و برکات نماز

نماز فوائد بسیاری به همراه دارد از جمله: روح انضباط را در انسان تقویت می کند زیرا باید در اوقات معینی انجام پذیرد و تأخیر و تقدیم آن موجب بطلان نماز می گردد. همچنین آداب و احکام دیگر باید با نظم و ترتیب رعایت شود و اگر با بی نظمی و ناهماهنگی صورت گیرد در حقیقت نماز خلل و اشکال به وجود می آید؟ این چنین است که انسان نمازگزار باید با عادت به نظم و انضباط در نماز آنرا در سایر مراحل زندگی نیز به مرحله عمل درآورد. در زمینه اسرار و ره آوردهای بی شمار نماز حضرت علی بن موسی الرضا(ع) سخن جامعی فرموده است که به بخشهائی از آن اشاره می کنیم: آن حضرت در پاسخ نامه ای که از فلسفه و علل تشریع نماز پرسیده بود چنین فرمود: علت تشریع نماز این است که بنده به ربوبیت پروردگار توجه و اقرار داشته باشد و مبارزه با شرک و بت پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار، در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین همه روزه انجام پذیرد. و نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر گردد، گرد غبار فراموشکاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد طالب و علاقه مند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد. همین توجه او به خداوند متعال و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می دارد و از انواع فساد جلوگیری می کند.

امام رضا(ع) در مورد سایر دست آوردهای نماز فرمود: نماز و مداومت یاد خدا در شب و روز سبب می شود که انسان مولا، و مدبّر و خالق خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیانگری در برابر خدا بر او غالب نیاید.(10)

نماز نوجوانان

حسن بن قارن می گوید: از امام رضا(ع) در مورد شخصی پرسیدند که پسر نوجوانش را به انجام نماز وادار می کند و این فرزند گاهی نماز را ترک می کند. امام فرمود: این پسر چند سال دارد؟ گفتند: آقا، 8 ساله است. حضرت رضا(ع) با تعجب فرمود: سبحان اللّه! 8 ساله است و نمازش را ترک می کند؟! گفته شد! بچه است گاهی خسته و ناراحت می شود. امام فرمود: هر طوری که راحت است نمازش را بخواند.(11)

پیراهن متبرک

از منظر حضرت رضا(ع) نه تنها نماز و نمازگزاران ارزشمند هستند بلکه لباسهائی هم که با آن نماز خوانده می شود امتیاز ویژه ای دارد. اسماعیل بن علی برادر دعبل خزاعی می گوید: آن حضرت به برادر دعبل پیراهنی را هدیه داده و فرمود: دعبل! این پیراهن را قدر بدان و خوب محافظت کن! که من در آن هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده ام و در آن هزار ختم قرآن به جای آورده ام. احتفظ بهذا القمیص فقد صلیت فیه الف لیلة کل لیلة الف رکعة و ختمت فیه القرآن الف ختمة.(12)

فلسفه نماز جماعت

امام رضا(ع) در مورد علل نماز جماعت فرمود: خداوند متعال نماز جماعت را قرار داده است که شعائر اسلامی و معارف الهی همانند اخلاص، توحید، ارزشهای اسلامی، عبادت و نیایش برای خدا آشکار و ظاهر و مشهور شود زیرا در اظهار این اعمال و علنی بودن آن حجت خداوند بر مردم شرق و غرب عالم تمام می شود.

همچنین مسلمانان دوچهره و منافق و کسانی که نماز را سبک می شمارند مشخص شوند و وادار به انجام دستورات الهی باشند. همچنین گواهی افراد نسبت به عدالت و صلاح همدیگر جائز باشد. افزون بر این نماز جماعت نیکوکاری و ترویج فضیلت ها را به همراه دارد و خیلی ها را از گناه و فساد باز می دارد.(13)

آداب نماز

امام رضا(ع) در مورد آداب نماز فرمود: اگر برای نماز ایستادی تلاش کن با حالت کسالت و خواب آلودگی و سستی و تنبلی نباشد. بلکه با آرامش و وقار نماز را بجای آور و بر تو باد که در نماز خاشع و خاضع باشی و برای خدا تواضع کنی و خشوع و خوف را برخود هموار سازی در آن حال که بین بیم و امید ایستاده ای و پیوسته با طمأنینه و نگران باشی. همانند بنده گریخته و گنهکار که در محضر مولایش ایستاده و در پیشگاه خدای عالمیان بایست. پاهای خود را کنار هم بگذار و قامتت را راست نگهدار و به راست و چپ توجه نکن! و چنان باش که گوئی خدا را می بینی، که اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.(14)

خاطره ای از شیخ رجبعلی خیاط

این مقال را با نقل خاطره ای پندآموز از مرحوم شیخ رجبعلی خیاط در مورد اهمیت نماز به پایان می بریم: آقای سید قاسم شجاعی از مبلغین توانا و موفق مجالس مذهبی در خاطرات خود آوده است:

من از نوجوانی به سخنرانی و روضه خوانی در محافل دینی و مذهبی اشتغال داشتم و لحن و سخن گرم من موجب شده بود که به مجالس زیادی دعوت شوم. از جمله روزهای هفتم ماه به منزل جناب مرحوم آقاشیخ رجبعلی خیاط نرسیده به بازارچه، بعد از کوچه سیاهها می رفتم. از پله ها بالا می رفتیم و در منزل ایشان برای خانم ها روضه می خواندیم. اتاق جناب شیخ هم طبقه پائین آن قرار داشت. روزی بعد از اتمام منبر به طبقه پائین آمدم و برای اولین بار با جناب شیخ برخورد کردم، کلاههائی دستش بود و گویا عازم بازار بود، سلام کردم، یک نگاه به صورت من کرد و فرمود: پسر پیغمبر و نوکر امام حسین(ع) نمازش تا الآن نمی ماند!!

(در آن هنگام من سیزده ساله بودم) گفتم: چشم، در حالتی که دوساعت به غروب مانده بود و آن روز مهمان بودم و تا آن ساعت نمازم را نخوانده بودم. امّا آن مرد الهی به محض اینکه به صورتم نگاه کرد این حالت را در من دیده و گوشزد فرمود.(15) و این یادآور سخن امام صادق(ع) است که فرمود: فضل الوقت الاوّل علی الآخر کفضل الآخرة علی الدّنیا؛(16) برتری نماز اول وقت بر آخر وقت، همانند برتری آخرت بر دنیاست.

پی نوشت ها

1. مکارم الاخلاق، ص 461.

2. من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 210.

3. بحارالانوار، ج 49، ص 49.

4. صابئین گروهی هستند که خود را پیرو حضرت یحیی می دانند و به دو دسته موحد و مشرک تقسیم شده اند گروهی از آنان ستاره پرست هستند. مرکز آنان قبلا شهر حرّان عراق بود ولی امروزه در اهواز و بعضی مناطق دیگر به سر می برند. آنها طبق باورهای خود در کنار نهرهای بزرگ زندگی می کنند.

5. توحید صدوق، ص 434؛ حیاة الامام رضا(ع)، ج 1، ص110.

6. نماز خوبان، ص 56، روزنامه کیهان، شماره 3659.

7. ارشاد مفید، ج 2، ص 264 و اصول کافی، مولد ابی الحسن الرضا(ع)، حدیث 7.

8. عیون اخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 165.

9. الکافی، ج 4، ص 577.

10. تفسیر نمونه، ج 16، ص 294.

11. وسائل الشیعه، ج 4، ص 20.

12. بحارالانوار، ج 79، ص 309.

13. وسائل الشیعه (20 جلدی)، ج 5، ص 372.

14. فقه الرضا(ع)، ص 101.

15. کیمیای محبت، ص 225.

16. ثواب الاعمال، ص 36.